آینه

جوان

تجربه‌ای که بیت امام (ره) آموخت

● **عبدالله گنجی:** فرزندان آیت‌الله منتظری نمی‌توانند ۱۳۶۷ را در ۱۳۹۵ تفسیر کنند؛ چراکه هم خودشان از قول پدر نقل می‌کنند که آیت‌الله خامنه‌ای در تصمیمات ۱۳۶۷ نقشی نداشت و هم میرحسین موسوی بر این مسئله صحه می‌گذارد؛ پس معارضه فرزندان آیت‌الله منتظری جز انتقام از شخص امام دلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. برخی بر این باورند که آنان به دنبال احیای منافقین هستند. شاید این تحلیل قابل‌تأمل باشد؛ اما نگارنده بر این باور است که ارائه چهره‌ای مخدوش و مسئولیت‌ناپذیر از امام و تولید حقانیت برای پدر و خود، اساس این اقدام شیطانی است. هشدارهای امام به آیت‌الله منتظری که به تعبیر خودش از سینه‌ای گداخته برمی‌خاست، در برخی از فرزندان آیت‌الله منتظری کینه‌ای شتری ایجاد کرده است و منتظر فرصت برای هویداکردن آن کینه‌ها هستند. در این واقعه چه تجربه‌ای می‌تواند برای نوادگان امام (آن بخش از نوادگان که اصرار بر پایبندی بر امام دارند) درس‌آموز باشد؟ مهم‌ترین نکته تجربه‌آموز این است که هیچ چاره‌ای ندارند، جز اینکه امام را یکپارچه ببینند. به تعبیر مقام معظم رهبری نمی‌شود بخشی از امام را پنهان و بخشی را برجسته کرد که اگر این‌گونه شد، نسلی که امام را ندیده است در مواجهه با امثال فایل صوتی منتظری دچار بحران تحلیل خواهد شد. دوم اینکه جریانات و افراد سیاسی به میزانی که با حال نظام فاصله می‌گیرند، درصدد تأویل یا تخریب امام برمی‌آیند تا بتوانند نقطه‌ای را که خود ایستاده‌اند، توجیه کنند. سوم اینکه امام به معنی واقعی کلمه یک شخصیت انقلابی است که نه در بوروکراسی هضم می‌شود و نه در عرف بین‌الملل و نه از اعدام و قصاص الهی به خاطر حقوق بشر غربی می‌گذرد و نه مثال‌آوری از اروپا را برای اداره کشور می‌پذیرفت. حضرت امام در سوم اسفند ۶۷ برای کسانی که قصد بازگشت به دامن نظام را دارند، شرط می‌گذارد و یکی از آن شروط این است که «[نگویند] چرا نسبت به منافقان و دشمنان اسلام حکم خدا را جاری کردید».

اعتماد

نه قحط‌الرجال داریم، نه جهل‌الرجال

حمیدرضا ترقی: به‌هرحال ما در اهداف انتخاب‌شوندگان باید این موضوع را پیگیری کرده یا جویا شویم. اگر فردی بخواهد حتما رأی بیاورد، طبیعتا نیازمند این است که شعار و گفتمانی داشته باشد که علاوه بر طیف خود بتواند قشرهای خاکستری را هم جذب کند. برای جذب قشر خاکستری که نه صرفا طرف اصلاح‌طلبان هستند و نه صرفا اصولگرایان، باید از یک‌سری اصول خود چه اصلاح‌طلب باشد و چه اصولگرا عدول کند تا بتواند طیف خاکستری را جذب کند. الان چهره‌ای که خیلی اثرگذاری متمایزی نسبت به دیگر اصولگرایان داشته باشد، وجود ندارد. اثرگذاری بیشتر جمعی است. چهره‌های اثرگذار معمولا از یک سبقه سیاسی و دینی برخوردار هستند و کاریزمای بالایی دارند. آنها از نظر علمی و تجربی خاص هستند. عناصر نخبه اصولگرا را جذب خودشان و وادار به تبعیت از خودشان می‌کنند. آنها چهره‌های ویژه‌ای هستند که به‌طور طبیعی در جریان اصولگرایی در موقعیت‌هایی رشد کرده‌اند که البته تعدادی از آنها الان در قید حیات نیستند. خوشبختانه با تعداد افرادی که در اردوگاه اصولگرایی معرفی شده، نه قحط‌الرجال است و نه جهل الرجال.

کیهان

دولت چگونه معادله می‌نویسد؟

محمد ایمانی: اگر تا امروز خوش‌بینی به آمریکا و حسن‌نیت او خطا بود، از امروز به بعد تداوم همین خط یا القای اضطرار و ضرورت معامله دوباره با او و دادن امتیازهای جدید، قطعا خیانت است. اگر تعلیق و تعطیلی بسیاری از تدبیرها و تصمیم‌سازی‌های راهگشای اقتصادی به امید معجزه برجام، اشتباه استراتژیک بود، تمسک به رادیکالیسم و حاشیه‌سازی‌های پس از این در زمینه کنسرت‌بازی و حصربازی و فضای مجازی یا مظلوم‌نمایی به جای پاسخ‌گویی - و پذیرش اشتباه و بازگشت از بیراهه- متضمن خیانت و جنایت در حق یک ملت است. ریلی که به سوی آمریکا و غرب در این سه سال کشیده شد، دقیقا به «پرتگاه» ختم می‌شود و کشور را از حرکت به سمت مقصد «پیشرفت» دور کرده است. افراطیونی که ابا نداشتند بگویند «دولت روحانی، رحم اجاره‌ای ماست»، حالا از یک سو او را تهدید می‌کنند که اگر با ما همراهی و معامله نکنی، دیگر رئیس‌جمهور نخواهی شد و از جانب دیگر لاف می‌زنند که فقط ما کاربلدیم و دیگران افراطی و پوپولیست هستند؛ اما کیست که نداند همان‌ها پدرجد تندروی، مصلحت‌سوزی و عوام‌فریبی در دو دهه اخیر بوده‌اند و دور هر سیاست‌مداری حلقه زده‌اند و تا او را بدهکار نکرده و مانند نزول‌خواران با وی معامله نکرده باشند، رهایش نکرده‌اند. آنها شرط بقای خود را در تداوم «تهدید و فشار دشمن» و «منجی‌نمایی» و «میانجی‌نمایی» خویش می‌بینند. روحانی اگر می‌خواهد فشار تحریم‌های دشمن از سر کشور برداشته شود، ناچار است این طیف طفیلی را منکوب کند؛ اگرنه به واسطه همین‌ها تبدیل به دولتمردی کتف‌بسته در برابر آمریکا خواهد شد.

تحلیل عطریانفر از امکان رد صلاحیت رئیس‌جمهوری

ایرنا: محمد عطریانفر از اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران درباره بررسی احتمالات مختلف بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری گفت: روحانی حتما کاندیدا خواهد شد. او بار گران‌سنگی را بر دوش گرفته و در قبال خدا و مردم مسئول است و امید مردم را ناامید نخواهد کرد. حضورنیافتن آقای روحانی به واسطه تصمیم شخصی‌شان حتما کم‌لطفی در حق کشور و مردم و حامیان‌شان خواهد بود.

او ادامه داد: درباره ردصلاحیت ایشان هم باید گفت در تاریخ انتخاباتی که در گذشته داشته‌ایم، تصمیم نهادهای نظارتی و تأییدکننده را نمی‌توان چندان پیش‌بینی کرد؛ کمااینکه چه کسی پیش‌بینی می‌کرد آقای هاشمی که جزء برجستگان نظام است و بخش بزرگی از توفیقات کشور ناشی از راهبردها و زحمات طاقت‌فرسای اوست، شورای محترم نگهبان با بهانه کِبَر سن و پیری وی را رد کند!؟

عطریانفر اضافه کرد: من یک تحلیل حقوقی روی موضوع بقا و دوام صلاحیت رئیس‌جمهوری مستقر دارم و آن این است که: شورای محترم نگهبان قانونا از نظر ترمینولوژی حقوقی و رعایت تکالیف نهادها و اختیارات مقامات ارشد نظام نمی‌تواند رئیس‌جمهوری مستقر را با عنوان نداشتن صلاحیت برای دوره بعد رد کند. او ادامه داد: استدلالی که به نظر می‌رسد این است که رئیس‌جمهوری وقتی از مردم رأی می‌گیرد، در ادامه، تنفیذ رأی ملت را هم از جانب رهبری دریافت می‌کند، به اعتبار رأی مردم و تنفیذ رهبری نظام، عهده‌دار ریاست قوه مجریه می‌شود؛ بنابراین بقای آن رأی و تنفیذ، مادام که سلب نشده باشد، دلالت بر بقای صلاحیت رئیس‌جمهوری دارد. به صلاحیت یک رئیس‌جمهوری در چه شرایطی ممکن است تردید وارد شود؟ به صلاحیت رئیس‌جمهوری از منظر تکالیف سه نهاد قانونی می‌توان خدشه و تردید وارد کرد. او در توضیح افزود: نخست اینکه رئیس‌جمهوری به خاطر تخلفات و مشکلاتی که برای کشور ایجاد کند، پرونده‌هایی در دستگاه قضائی پیدا کند و دادگاه نسبت به تخلفات وی رسیدگی و ادامه خدمت رئیس‌جمهوری را به صلاح نداند و رأی به محکومیت و خلع از قدرت دهد. او ادامه داد: دوم، موضوع ناکارآمدی و نداشتن صلاحیت سیاسی رئیس‌جمهوری است که بررسی آن تنها در صلاحیت مجلس است. مجلس می‌تواند حسب تکالیف قانونی با نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهوری در موارد تشخیص، کفایت‌نداشتن رئیس‌جمهوری را تصویب و وی را با تأیید رهبری سلب قدرت کند. عطریانفر اضافه کرد: سوم اینکه از موضع اختیارات فراقوه‌ای رهبری، رئیس‌جمهوری عزل شود؛ بنابراین مادام که احتمالات یادشده در بالا محقق نشود، رئیس‌جمهوری واجد صلاحیت است و هر نهادی از جمله شورای محترم نگهبان فاقد اختیار در ردصلاحیت اوست. این فعال سیاسی گفت: ممکن است فردی در مقطعی رئیس‌جمهوری بوده است و بعد از وقفه‌ای بخواهد دوباره نامزد شود. شورای نگهبان می‌تواند با بررسی احراز شرایط یا احرازنکردن، احیانا برای آن دوره او را رد کند؛ کمااینکه برای آقای هاشمی این اتفاق افتاد و ایشان با اینکه به طور قلبی ردصلاحیت خود را قبول نداشت؛ اما به دلیل اختیار قانونی شورای نگهبان در مقابل آن تصمیم، سکوت کرد و هیچ نگفت؛ چراکه آقای هاشمی در وقت نامزدی، رئیس‌جمهوری مستقر نبود. براساس‌این تا زمانی که آقای روحانی از سوی سه مرجعی که پیش از این گفته شد، در امنیت و تأیید است، به لحاظ حقوقی مشکلی برای تأیید صلاحیت ندارد. او درباره حمایت اصلاح‌طلبان از روحانی هم گفت: اصلاح‌طلبان از آقای روحانی حمایت می‌کنند و کسی جز ایشان را برای مطرح‌کردن ندارند. نیازی به شرط ندارند. آقای روحانی فوق تصور اصلاح‌طلبان ظاهر شده است. جبهه اصلاحات در سال ۹۲ با شناخت اجمالی، آقای روحانی را پذیرفت و حمایت کرد؛ اما در سال ۹۶ برای شناخت عمیق‌تری که از وی پیدا کرده‌اند، همه‌جانبه و با اعتماد بیشتری از او حمایت می‌کنند؛ بنابراین طرح هرگونه شرطی برای وی، خلاف عقل، عرف و انصاف است.

موضع تازه باهنر درباره رفع حصر:

حسین کروبی: عارف پیگیر حصر است

شرق: محمدرضا باهنر، دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری، حرف خود را پس گرفت و گفت نه ارتباط رسمی و غیررسمی‌ای با میرحسین دارد و نه پیامی برای او فرستاده است. او هفته قبل به ایلنا گفته بود برای میرحسین در حصر پیام داده تا اعلام کند درصورتی‌که آزاد شود، تا سال‌ها فعالیت سیاسی انجام نخواهد داد. طبق گفته باهنر، میرحسین موسوی این درخواست را نپذیرفته بود. ولی باهنر دیروز به فارس گفت مصاحبه‌اش با ایلنا ابهاماتی ایجاد کرده است. او افزود: «دستاویزی شد که برخی از افراد و رسانه‌ها مکنونات و آرزوهای خود را منتسب به تحلیل بنده کنند و البته درصدد قلب واقعیت عملکرد سران فتنه بربیایند باید توضیحاتی را مطرح کنم. اولا ازآنجا که این‌جانب هیچ ارتباط رسمی علنی و غیرعلنی با سران فتنه ندارم و نمی‌توانم داشته باشم، (طرح پیغام به موسوی) شائبه ارتباط را تداعی می‌کند و این به نفع دوستانشان نیست، چراکه با توجه به عملکرد و هزینه‌هایی که آنها برای ملت و کشور به همراه داشتند، محاکمه در هر دادگاه عادلانه‌ای که صورت گیرد احکام سختی در انتظار آنها خواهد بود». باهنر که هفته قبل پیشنهاد رفع حصر در صورت انجام ندادن فعالیت سیاسی را مطرح کرده بود، دیروز به ایلنا گفت: «با توجه به اینکه هیچ نشانه‌ای از پشیمانی و توبه آنها در دست نیست، امکان رفع حصر نیز منتفی است».باهنر که تا دیروز مصاحبه خود با ایلنا را نه تکذیب کرده و نه مخدوش خوانده بود، گفت: «برخی رسانه‌ها با تقطیع سخنانی که در برهه‌های مختلف گفته شده و شرط زمان‌ومکان بر آنها مترتب است، سعی کردند آرزوهای خود را به‌عنوان خبر تولید کنند و خوانندگان را کاملا گیج و مبهوت کرده که این مطالب کی، چگونه و در چه زمان تولید شده است».گفته‌های باهنر در شرایطی است که به گزارش سایت امیدنامه «حسین کروبی»، فرزند ارشد مهدی کروبی، با اشاره به سخنان اخیر باهنر درباره شرایط رفع حصر، گفت: «سخنان آقای باهنر درباره تداوم حصر بی‌ارزش است، زیرا هیچ فردی یا نهادی نمی‌تواند اشخاص را از انجام کار سیاسی و یا موضع‌گیری سیاسی منع کند...» او افزود: «شخص آقای دکتر عارف پیگیر موضوع حصر هستند و موضوع رفع حصر به بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری موکول می‌شود».گفتنی است عارف در واکنش به اظهارنظر باهنر درباره پیشنهاد شروطی به میرحسین موسوی برای پایان‌دادن به حصر، با بیان اینکه اطلاع دقیقی از پیشنهاد باهنر ندارم، گفته بود: «مسئله حصر به عنوان یک مطالبه از سوی نسل سوم و در میان مردم مطرح است و این مسئله یکی از وعده‌های روحانی در انتخابات قبل بود و امیدواریم این مسئله در فضایی خوب و صمیمی حل شود که ان‌شاءالله شاهد ادامه آن نباشیم».

وزیر ارتباطات دولت قبل:

رفتار احمدی‌نژاد و قالیباف نشان می‌دهد نامزد می‌شوند

رضا تقی‌پور وزیر ارتباطات دولت احمدی‌نژاد گفت: «گفته می‌شود آقای احمدی‌نژاد و آقای قالیباف فعالیت‌هایی دارند و در میان مردم که می‌روند با استقبال مواجه می‌شوند، این برداشتی واقعی است؛ چراکه مردم خدمات و تلاش‌های آنها را دیده‌اند. اگر جوسازی‌های سیاسی که معمولا نزدیک انتخابات تشدید می‌شود و معمولا تأثیرگذار است را کنار بگذاریم، برداشت مردم این‌گونه است. به هرحال رفتار هر سه نفر؛ آقایان احمدی‌نژاد، قالیباف و روحانی نشان می‌دهد که در صحنه رقابت برای ریاست‌جمهوری حاضر می‌شوند». او در ارزیابی خود از حضور محمدباقر قالیباف در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ به ایسنا گفت: «بی‌شک آقای قالیباف یکی از مدیران موفق جمهوری اسلامی بوده و از زمان جنگ تحمیلی در عرصه‌های مختلف فعالیت داشته است. اما نمی‌توان گفت شرایط سیاسی به نحوی شکل می‌گیرد که مردم بتوانند انتخابی داشته باشند که آن انتخاب به موفقیت اداره کشور بینجامد». تقی‌پور افزود: «من با آقای احمدی‌نژاد کار تشکیلاتی نمی‌کنم و در جلسات خصوصی که توسط ایشان برگزار می‌شود حضور ندارم. البته به این معنا نیست که خدمات انجام‌شده در دولت‌های قبل را نفی کنم. من هیچ‌گاه با او مشکل سیاسی نداشتم و در سال آخر دولت نیز به دلیل مسائل مدیریتی کار وزارت را ادامه ندادم».تقی‌پور در رابطه با احتمال تأیید یا رد صلاحیت محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ گفت: «ملاک‌های شورای نگهبان مشخص است و نمی‌توان پیشاپیش در رابطه با نظر اعضای شورا قضاوت کرد. البته برای شخص آقای احمدی‌نژاد دلیلی برای رد صلاحیت و رأی منفی نمی‌بینم هرچند ممکن است تا آن‌موقع شرایطی که شورای نگهبان در نظر می‌گیرد متفاوت باشد و قطعا تشخیص و رأی آنها برای همه لازم‌الاتباع است». او افزود: «اگر پرونده شخصی اطرافیان آقای احمدی‌نژاد بررسی شود می‌بینیم که به مسئولیتشان در دولت ربطی ندارد و مربوط به زمان دیگری است. پس جفا در حق مردم است که بگوییم چون یک فرد زمانی در دولت بوده پس تخلفاتش حتما مربوط به این دوره است. نباید صرفا برای ایجاد هیجان در جامعه کارها و پرونده‌ها را دنبال کرد، باید به فکر نفع و مصلحت مردم بود. بعضی از این ای دزد ای دزد گفتن‌ها برای این است که دزد واقعی فرار کند و اصلی‌ها شناخته نشوند. اکنون فضا طوری شده که اجازه می‌دهیم آبروی یک نفر برود، بعد که به دادگاه می‌رود می‌بینیم گناهی نداشته، این در حالی است که باید برعکس باشد. فرد اول باید محکوم شود بعد آبرویش برود و جواب‌گوی اشتباهاتش باشد».

ناگفته‌های دهدشتی از پشت پرده مبارزه با فساد در مجلس

سفارش مسئولان دولت احمدی‌نژاد برای واریز پول به بانک زنجانی

حسین دهدشتی نماینده آبادان در مجلس هشتم و نهم، در کنار نطق‌های خاص و اصرارش بر مبارزه با مفاسد، بیش از همه به عنوان مسئول پیگیری پرونده بابک زنجانی و همچنین پرونده تحقیق‌وتفحص از تأمین اجتماعی در رسانه‌ها شناخته می‌شد. او روز گذشته در گفت‌وگو با خبرگزاری برنا، به بیان ناگفته‌هایی از دلایل ناکام‌ماندن تحقیق‌وتفحص‌های مجلس، ناکارآمدی ابزار نظارتی پارلمان و البته گوشه‌هایی کمترشنیده‌شده از پرونده بابک زنجانی پرداخته که گزیده این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

لابی‌وتهدیدوتطمیع درمقابل تحقیق‌وتفحص‌ها

مجلس ما در این ۹ دوره ۳۶۰ مورد پیشنهاد تحقیق‌وتفحص داشت که از این تعداد فقط حدود ۱۰ درصد به سرانجام رسید. البته منظور از سرانجام یعنی رسیدن به مرحله تنظیم گزارش و قرائت آن در صحن. البته از همین تعداد اندک پرونده ارجاع‌شده به قوه قضائیه تا آنجا که من اطلاع دارم، هیچ‌کدام منجر به صدور کیفرخواست در دادگاه نشده است. در اغلب موارد نیز با لابی و تبانی ارگان مورد تحقیق‌وتفحص و نمایندگان موضوع کنسل می‌شود. برای مثال ما تحقیق‌وتفحص از مناطق آزاد را با ۴۰ تا ۵۰ نماینده به راه انداختیم اما در میانه راه برخی از نمایندگان عقب کشیدند و بنابراین منطقه خودمان یعنی منطقه آزاد اروند را موضوع قرار دادیم اما بعد از مدتی بار دیگر برخی نمایندگان از موضع خود عقب‌نشینی کردند، نمی‌دانم تطمیع شدند یا تهدید ولی حتی به خود من پیشنهاداتی دادند. مثلا وقتی موضوع تحقیق‌وتفحص جدی شد، پیشنهاداتی مانند حمایت در انتخابات نیز مطرح شد. حتی به بنده پیغام فرستادند که از تحقیق‌وتفحص چشم‌پوشی کنم تا در عوض یکی از اعضای هیأت‌مدیره آن برکنار شود و هرکس که من بخواهم را به جای آن منصوب می‌کنند. در این میان حتی نمایندگانی که در انتقاد از منطقه آزاد اروند تندتر از ما بودند، امضای خود را درباره تحقیق‌وتفحص پس گرفتند.

مجلس دربعد نظارتی به یک رسانه تبدیل شده

در شرایطی که ابزارهای نظارتی مجلس کارایی لازم را ندارد، چطور انتظار داریم مجلس در رأس امور باشد و حتی اگر تحقیق‌وتفحص‌ها هم به نتیجه برسد تنها گزارش آن از تریبون مجلس اعلام می‌شود. در بعد نظارتی، مجلس فقط یک رسانه است. بنابراین در شرایط امروز به نظر می‌رسد این قوه قضائیه است که در رأس امور است. در روزهای اخیر هم مشاهده کردید که مرجع قانونی صدور و لغو مجوز، امتیاز نشریه‌ای را لغو می‌کند اما قوه قضائیه رأسا مجوز انتشار به آن نشریه می‌دهد یا دادستانی در کمال تعجب از رفتن آقای خاتمی به تئاتر جلوگیری می‌کند. وضع این‌گونه محدودیت‌ها بدون حکم دادگاه غیرقانونی است. قانون اساسی ما درباره شیوه شناخت جرم و مجازات صراحت دارد. اما بعضی خود را فراقانونی می‌شمرند. وقتی در رده‌های بالای کشور به بهانه‌های مختلف قانون رعایت نمی‌شود، چه توقعی از مردم داریم؟

آغاز پرونده زنجانی

زنجانی در سال ۸۹ -۹۰ به واسطه تحریم‌ها، در زمینه فروش نفت کمک می‌کرد و در این راستا کسی اعتراضی نداشت و همه راضی بودند تا آخرین قراردادی که داشت به ۱۵۰ میلیون دلار رسید و مشکل خاصی هم وجود نداشت و اغلب هم با شرکت‌هایی که مرتبط با وزارت نفت بود، همکاری می‌کرد. تا اینکه اتاق بازرگانی پیشنهادی مطرح می‌کند مبنی‌بر اینکه برای دورزدن تحریم‌ها فروش نفت به افراد سپرده شود که البته صحبت کردیم و قرار شد یک مجموعه شرکت خصوصی داخلی با واسطه اتاق بازرگانی این مسئولیت را برعهده بگیرد که یکدفعه بابک زنجانی معرفی شد و از آنجایی که آقای قاسمی و برخی افراد دیگر به او اعتماد داشتند، زنجانی معرفی و ماجرای امضای سه وزیر مطرح شد.

از وزارت اطلاعات پیام دادند که زنجانی مورد تأیید است

زمانی که به موضوع وارد شدیم، از موعد قسط اول یک ماه گذشته و هنوز زنجانی پولی واریز نکرده بود. در آن مقطع وزارت نفت توجهی نمی‌کرد. از سوی دیگر، سازمان‌های بازرسی نیز به گونه‌ای رفتار می‌کردند که یعنی این فرد قابل اعتماد و موردتأیید هستند، حتی از وزارت اطلاعات پیام آمد که این فرد موردتأیید است؛ در همان مقطع آقای میرکاظمی بیان کرد بانک بابک زنجانی ممکن است تحریم شود و ما برای آنکه این بانک مطرح نشود، موضوع را خیلی باز نکردیم که در همین حین بانک او نیز تحریم و اساسا زبانش برای بهانه‌آوردن دراز شد و نکته جالب این بود که در همان زمان که ما زنجانی را در کمیسیون مورد سؤال و جواب قرار می‌دادیم، او در همین حین با تأمین اجتماعی قرارداد می‌بست.

چگونه پول نفت دولت به جیب زنجانی رفت؟

افرادی از درون دولت وقت، زنجانی را حمایت می‌کردند. زمانی که ما فهمیدیم زنجانی در حال قراردادبستن با تأمین اجتماعی است، میرکاظمی با نجات امینی (معاون تأمین اجتماعی) تماس گرفت و حتی با خود مرتضوی هم صحبت کرد که زنجانی پولی ندارد به شما بدهد و اگر پولی دارد، بیاید بدهی خود را صاف کند؛ اما با وجود این مکالمه مشاهده شد آنها بر سرعت خود اضافه کردند و حتی شنیده شد که جلسات شبانه‌ای داشتند و نهایتا قرارداد بسته شد و بعد از آن زنجانی چک‌های تأمین اجتماعی را به عنوان ضمانت قرارداد با وزارت نفت، ارائه کردند. زنجانی در مالزی یک بانک تأسیس کرده بود و با سفارش بعضی وزرا و رئیس بانک مرکزی در دولت قبل، تعدادی از بانک‌های دولتی از جمله بانک مسکن، در آن بانک حساب باز کرده بودند و از او حمایت می‌کردند. زنجانی در فکسی اعلام کرد من پول تأمین اجتماعی را به حساب بانک مسکن در بانک خودم واریز کرده‌ام، که قطعا در این میان باید زدوبندی صورت گرفته باشد چراکه نمی‌توان گفت بانک مسکن بی‌خیال بوده است و دلیل صحبتم این است که بانک مسکن به‌سرعت نامه‌ای ارسال کرد که پول در حساب است. بلافاصله تأمین اجتماعی یک چک را تبدیل به پنج چک کرد و به زنجانی تحویل داد که او نیز از این چک‌ها به عنوان تضمین برای بستن قرارداد با وزارت نفت استفاده کرد. البته یک چک را برای خود نگه داشته بود و حتی زمانی که درگیر دادگاه و پرسش و پاسخ بود، رفته بود تا چک را نقد کند. یعنی نفت را از دولت گرفته، به‌جای پول آن، چک خود دولت را به دولت داده است. اگر الان فردی به خیابان بیاید و شروع به شعاردادن کند، در چند ساعت آن را پیدا می‌کنند؛ مگر می‌شود سیستم نظارتی و امنیتی متوجه این موضوع نشده باشند.

ماجرای ملک ایران‌زمین

زنجانی دائما در کمیسیون عنوان می‌کرد که ملک ایران‌زمین را به جای بدهی‌ها بردارید و مجدانه بیان می‌کرد که این ملک بیش از ۹ هزار میلیارد ارزش دارد. کارشناسان قوه قضائیه این ملک را ارزیابی و ارزش آن را هزارو ۲۰۰ میلیارد بیان کردند؛ هرچند کارشناس‌ها افراد معتبر و قابل‌اطمینانی بودند اما باز ما شک کردیم که این ملک تا این حد نمی‌تواند ارزش داشته باشد. بعد از پرس‌وجو متوجه شدیم این قیمت به این دلیل بوده است که زنجانی عنوان کرده می‌خواهم ساختمانی با بیش از ۳۰ طبقه بنا کنم که وقتی موضوع را با شهرداری در میان گذاشتیم، شهرداری اعلام کرد مجوز او برای ۱۷ طبقه بوده است که بعد از صحبت ما بلافاصله شهرداری آن را پلمب کرد. نکته جالب این است که این مطالب را من به اتفاق فقط یک جوان از اعضای دفترم که روی این موضوع کار می‌کرد با یک پیگیری متوجه شدیم؛ چطور سیستم نظارتی این موضوع را نمی‌دانست؟! حین پیگیری درباره این ملک متوجه شدیم سند این ملک در چند روز چندین‌بار دست به دست و در قراردادهای صوری فقط سعی در بالابردن ارزش کاذب زمین شده است. مالک اولیه یکی از نهادهای نظامی بود که اگر اشتباه نکنم هشت هزار میلیارد آن را به زنجانی فروخته بودند. سند هم در دفترخانه‌ای متروکه به نام زنجانی ثبت شده بود و اساسا این نقل و انتقالات در این دفترخانه صورت گرفته بود و سردفتر آن دفترخانه نیز یک فرد تازه فارغ‌التحصیل‌شده بود. ما به وزارت اطلاعات گفتیم اما این موضوع اصلا پیگیری نشد. حتی وقتی خودمان موضوع را دنبال کردیم متوجه شدیم خود دفترخانه نیز متعلق به همان نهاد است و بعد از مدت‌ها قاضی اعلام کرد سردفتر را دستگیر کرده‌اند و اعتراف کرده بود بابت این کار یک میلیارد دستمزد گرفته بود. ما همه این مسائل را توانستیم سه سال پیش متوجه شویم، بنابراین اگر اراده وجود داشته باشد، چندان کار سختی نیست. ظاهرا این زمین جزء زمین‌های مصادره‌شده و متعلق به ستاد اجرائی بوده است که بعدها دست به دست و در اختیار این نهاد قرار داده شد.

احمدی‌نژاد باید دادگاهی می‌شد

وقتی سه وزیر احمدی‌نژاد در این ماجرا دخیل هستند، عملا این احمدی‌نژاد است که زیر سؤال می‌رود. همان‌طور که در آخرین نطق خود عنوان کردم باید احمدی‌نژاد دادگاهی می‌شد.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● احمد خاتمی در پاسخ به جنجال رسانه‌ای آمریکا علیه سپاه: ملت هرگز فرزندان انقلابی خود را تنها نمی‌گذارد

● تأکید محمدباقر ذوالقدر، جانشین وزیر کشور بر انجام مطالعات راهبردی برای برخورد با معضلات اجتماعی

● وزیر کار و امور اجتماعی: تسهیلات بنگاه‌های زودبازده نرخ تورم را افزایش نمی‌دهد

● فرمانده کل سپاه: آمریکا در آینده ضربات سنگین‌تری از سپاه خواهد خورد

● حدادعادل: در روزگاری که دشمنان از ترس بیداری اسلامی، وحدت مسلمانان را نشانه گرفته‌اند، امت اسلامی باید با تمسک به قرآن این توطئه را خنثی کند

● مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور: ما از یک نظام باز سیاسی برخوردار هستیم و این نظام اسلامی به نسبت بسیاری از نظام‌های سیاسی دیگر دقیق‌تر و کارآمدتر است

اعتماد

● با دستور احمدی‌نژاد آزادسازی قیمت محصولات پتروشیمی به دلیل تحت فشار قرارگرفتن مردم متوقف شد

● علی‌اکبر ولایتی: ایران نقش تکمیلی در سازمان شانگهای دارد

● ارائه لایحه اصل ۴۴ به صحن علنی مجلس، با دستور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به تعویق افتاد

ایران

● حدادعادل: از وظایف مأموران سیاسی کشور به‌ویژه رؤسای نمایندگان در خارج کشور این است که کاری کنند تا ملت‌ها نسبت به ایران و جمهوری اسلامی ایران یک نوع معرفت و احساس مثبت پیدا کنند

● سخنگوی دولت: ادعای وجود حساب‌های مخفی در دولت دروغ است

● محمود احمدی‌نژاد: افزایش همکاری‌های کشورهای عضو پیمان شانگهای می‌تواند علاوه بر تحکیم صلح و آرامش در منطقه، نقش مؤثری در تقویت صلح و ثبات جهانی داشته و مانعی در مقابل تهدیدها و مداخلات غیرقانونی و زورمدارانه نظام سلطه جهانی باشد

آفتاب

● در بیانیه سپاه پاسداران اعلام شد: آمادگی همه‌جانبه سپاه، نشانه عزم مردم برای مصاف با تهدیدات است

● رئیس خانه احزاب ایران: مخالفت با احزاب، کمک به جامعه نیست

● آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی: دیدارهای مردمی، حاشیه امن را از قضات گرفت

● رئیس مجلس شورای اسلامی: آمریکا برای نجات از باتلاق عراق، دست کمک به طرف ایران دراز کرده است

● سفیر آمریکا در بغداد: خروج نیروهای آمریکایی از عراق منجر به پیشروی ایران می‌شود

● لاوروف، وزیر خارجه روسیه: با تجزیه و تحلیل بیانیه‌های رسمی مقامات ایران و همچنین اطلاعات دقیقی که ما در اختیار داریم می‌توانیم بگوییم که هیچ تهدیدی از سوی ایران در درازمدت وجود ندارد

● تکذیب وجود حساب‌های مخفی دولتی از سوی سخنگوی دولت

جمهوری اسلامی

● هشدار سران اجلاس شانگهای در مورد سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا

● فرمانده سپاه: موشک‌های ساحل به دریای ایران، خلیج‌فارس و دریای عمان را پوشش داده‌اند

● ائتلاف بزرگ ۴ حزب عمده شیعه و کرد در عراق

● افشای دخالت سازمان منافقین در به‌شهادت‌رساندن ۲۳۷ اسیر ایرانی در عراق

● بیانیه علمای مسلمان ۱۵ کشور جهان در محکومیت فتواهای تکفیری

اطلاعات

● سخنگوی دولت: مردم اشتباهات را به دولت تذکر دهند

● رئیس مجلس: هنر حکومت در یک دیپلماسی آرمانی، توجه به واقعیت‌هاست

● احمد خاتمی: دنیا دیگر شعار دموکراسی‌خواهی آمریکا را باور نمی‌کند

● حدادعادل: تاریخ هشت سال دفاع مقدس بدون نام آزادگان معنی ندارد

● احمدی‌نژاد: تفرقه در جهان اسلام ریشه خارجی دارد